

## ابوریحان بیرونی

## بالاک پشت پرنده!

ملینا گیوهکی

نوجوان  
کتابخوان

امروز می‌خواهم یک کتاب جذاب و مهیج را به شما معرفی کنم. اسم کتاب امروزمون «ابوریحان بیرونی» از مجموعه کتاب‌های مشاهیر خندان است.

نویسنده این کتاب آقای حمید عبداللهمان و تصویرگر آن آقای حمید خلوتی است. مجموعه کتاب‌های مشاهیر خندان برنده فهرست لاک پشت پرنده شده است.

فهرست لاک پشت پرنده مجموعه‌ای از کتاب‌های ادبیات کودک و نوجوان است که با همکاری مشترک مؤسسه شهر کتاب و فصلنامه تخصصی پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان تهیه می‌شود.

گروهی از منتقدان و کارشناسان کودک و نوجوان در پایان هر فصل، فهرستی از کتاب‌های کودک و نوجوان منتشر شده در یک فهرست معرفی می‌کنند. این مجموعه کتاب در مورد مشاهیر و دانشمندانی همچون ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا و دیگر دانشمندان بوده که امروز قرار است کتاب ابوریحان بیرونی را به شما معرفی کنم.

این کتاب با نوشتار طنز و بسیار روان به زندگی و اتفاق‌های حیات این دانشمند بزرگ پرداخته و با تصویرها و عکس‌های جذاب، شما را به خواندن این کتاب وادار می‌کند.

بخشی از این کتاب را بخوانیم: «ابوریحان در یک خانواده شلوغ و پرسر و صدا به دنیا آمد. پدرش کشاورز بود و در مزرعه کار می‌کرد. خودش گفته از پدر بزرگش هیچ خبری ندارد. می‌گویند منظورش این بوده که از خاندان‌های بزرگ و دهقان و اشراف نبوده است. اسم برادرها و خواهرهایش را در کتاب ننوشت‌اند، ولی فکر می‌کنید ما کم می‌آوریم؟ نخیر هم! اسم‌هایشان را خودمان می‌سازیم! برادرها: ابوتره، ابوگشیز، ابوسیر و خواهرها: ام‌شنبلیه، ام‌پونه و... تازه اسم برادر ته تغاری پیازچه و خواهر کوچک‌تر ترخون بوده است. ترخون را در خانه تلخون صدا می‌زدند. هنوز هیچ چیز نشده اختلاف بین دانشمندان شروع شده.

بعضی می‌گویند «بیرون اسم جایی بوده»، بعضی دیگر می‌گویند: «نخیر هم بیرون یعنی خوارزم! به هرکس که از بیرون خوارزم می‌آمده، می‌گفته‌اند بیرونی». فامیل همه کسانی هم که داخل شهر بوده‌اند، درونی بوده! بعضی از ضد دانشمندان‌ها گفته‌اند چون بیرونی در کودکی دائم به بهانه‌های مختلف از کلاس بیرون می‌رفته، اسمش را بیرونی گذاشته‌اند! ولی شما بشنوید و باور نکنید.»

خب بچه‌ها اگر می‌خواهید بدانید چه ماجراها و اتفاقاتی در انتظار این دانشمند خندان هست، می‌توانید این کتاب‌نامه و خواندنی و پر از اطلاعات را از نشر میچکای کتابخانه‌های سراسر کشور تهیه کنید.



قفسه کتاب

۲

بایسم...

یادداشت

گفت‌وگو

گزارش

ضمیمه کتاب و ادبیات روزنامه جام جم | سه‌شنبه، ۲۳ مرداد ۱۴۰۳ | شماره ۲۶۵



با فاطمه سادات مظلومی درباره روایت اربعینی اش گفت‌وگو کردیم

# روایت اربعین را منحصر به نویسندگان نکنیم!

بله تقریباً هر آنچه سفرنامه از طنزنویسان و سفرنامه‌نویسان و علما بوده را مطالعه کرده‌ام. هر کدام در نوع خودش دلنشین بود. مورد خاصی را نمی‌توانم مشخص کنم.

**۱. روایت شما چه تفاوتی با سایر روایت‌های مشابه از این سفر دارد که موجب علاقه و یاگیری خواننده می‌شود؟**

اول این‌که این سفر شاید تا همین امروز یک سفر مردانه یا حداقل خانوادگی تلقی می‌شود؛ از این جهت روایت‌های مردانه از این سفر نسبت به قرائت‌های زنانه بیشتر موجود است و من این کتاب را نه برای زنان و دختران، اما با نگاه زنانه نوشتم.

دوم این‌که این تنها سفرنامه‌ای است که شش سفر از یک راوی و در یک مسیر و مقصد روایت می‌کند و تفاوت شرایط و تجربه‌ها و رشدی که بین سفر اول و ششم اتفاق افتاده، از نکات متمایز دیگر این کتاب است. نکته سوم نیز این‌که کتاب‌هایی که من از روایت‌های اربعین خواندم اکثراً یک ژانر را پیگیری کرده است؛ یا طنز بوده یا عالمانه یا متمرکز بر فرهنگ و جغرافیا یا ادبی و... اما من در این کتاب سعی کردم به فراخور وقایع از همه این‌ها بهره ببرم و به قول یکی از مخاطبان، این کتاب مصداق هُوَ أَضْحَكٌ وَ أَكْبَى است و این‌که من این سفر را در شرایط متفاوت تجربه کردم. به تنهایی، خانوادگی، با کاروان شاعران و... تفاوت همراهان اساساً بستر اتفاقات سفر را برای من متفاوت کرد و همین باعث شده به اذعان استادان و مخاطبان، سفرنامه‌ام تکراری و ملال‌انگیز نباشد.

**۲. سال گذشته هفتمین سفرتان را رفتید و ان شاء... امسال هم هشتمین سفر، آیا درباره این سفرها هم خواهید نوشت؟**

به نظرم این سفر بی نهایت موقعیت درون خودش دارد که می‌شود از آن خلق اثر کرد و به اندازه تک‌تک مردم جهان، مخاطب دارد که می‌شود این سفر را برایشان روایت کرد، اما شاید از این به بعد سبک اثر را تغییر بدهم و در ژانر شعر یا داستان دست به روایت اربعین بزنم.

**۳. نوشتن روایت اربعین، چه لزومی دارد؟**

این اتفاق بزرگ، مثل هر روایت دیگر نیاز به خوب دیدن، خوب شنیدن و لمس حال و هوا با رویکرد شخصی دارد. ما در روایت غیر از اصول ادبی، بسیار نیازمند نگاه شخصی راوی هستیم و طبیعتاً هرچه راوی در مورد موضوع مورد روایتش اطلاعات تکمیلی غیر از تجربه صرف داشته باشد و نگاهش خلاقانه‌تر باشد، روایتش بهتر و اثرگذارتر خواهد بود.

**۴. جای چه عرصه و نگاهی را در این روایت، خالی می‌بینید؟**

مانیاز به روایت‌های مردمی بیشتری داریم؛ این‌که هر ژانریک راوی باشد. از دکتر و هلال احمری گرفته تا خادم و راننده؛ از روحانی و مداح گرفته تا هنرمند و اهل رسانه؛ از ژانر جوان، پیر، زن و مرد گرفته تا شهری و روستایی، ژانرهای سفر زمینی و هوایی و... این‌که روایت کردن از اربعین را منحصر کنیم به نویسنده‌ها، محدود کردن این واقعه بزرگ است.

**۵. و حرف آخر...**

گم شد هر آنکسی که ز بیراهه رفته بود / اما تو با حسین بمان «رو به راه» باش...



زینب گل محمدی

خبرنگار

اشاره: روایت اربعینی «روبه‌راه» را فاطمه سادات مظلومی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کرد اما به توصیه مهدی بوشهریان، مدیر انتشارات ستاک تصمیم گرفت آن را در قالب کتابی تدوین و آماده چاپ کند. با او درباره کتابش هم‌کلام شدیم. در این روزها، خواندن روایت‌های اربعینی، لطف دیگری دارد....

**۶. بالاخره شما شاعرید یا نویسنده؟**

واقعیت این است که من اهل کلمه هستم. اهل نوشتن. بنا به احوالات شخصی و بستری که موضوع می‌طلبد، نظم و نثر می‌نویسم.

**۷. چند سال پیش هر نویسنده‌ای که به زیارت اربعین می‌رفت، تلاش می‌کرد روایتش را بنویسد و چاپ کند اما چند سالی است که این تب فروکش کرده؛ انگیزه شما از نوشتن این روایت‌ها چه بود؟**

گاهی دوستان اهل قلم، آگاهانه یا ناآگاهانه جریانی را به وجود می‌آورند یا مقابل جریانی، مانع می‌گذارند. چیزی که من از روایت اربعین یافتم، ایجاد مانع برای روایت این اتفاق است؛ با دلایلی مثل اشباع جامعه، نوشتن تنها در صورت خلق ادبیات جدید و... من هم طبیعتاً گاهی توسط برخورد با این جریان دلسرد می‌شدم اما سه چیز باعث شد که دست از نوشتن برندارم.

اولینش خواندن سفرنامه‌های اربعینی منتشر شده بود که خب با خواندن هر کدام بیشتر به این نتیجه می‌رسیدم که چنگی این روایت‌ها در تفاوت نگاه نویسنده‌ها به وقایع مشترک یک سفر و البته تفاوت‌شان با تصویر من از این سفر بود.

دومین نکته این بود که به نظر کثرت روایت از یک اتفاق، نشان‌دهنده اهمیت آن برای جامعه است. پیاده‌روی اربعین یک رسانه است که پیام عاشورا را به جهان می‌رساند و چه چیزی مهم‌تر از قرار گرفتن در مدار راویان این حادثه؟ و مهم‌ترین دلیل روایتی از امام باقر (ع) بود که فرموده بودند: یاری کردن ما با زبان، مانند کمک کردن ما با شمشیر است.

**۸. چرا از سال اول مشغول نوشتن روایت‌هایتان نشدید؟ چرا**

**سفرهای شش‌گانه‌تان را برای این روایت انتخاب کردید؟**

نوشتن این کتاب در اصل به پیشنهاد ناشر پس از خواندن خرده‌روایت‌های بنده از سفرهای اربعینم در فضای مجازی، کلید خورد و قرار بود که همان سال که چهار سفر رفته بودم جمع‌بندی شده و به اثر مکتوب تبدیل شود. اما فرآیند نوشتن و بازنویسی آن قدر طول کشید که دو سفر دیگر هم به این مجموعه اضافه و به شش سفرنامه تبدیل شد. البته استاد محمد رضا سنگری در جلسه رونمایی کتاب توصیه کردند حتماً در ویراست دوم، سفرنامه هفتم را هم به کتاب اضافه کنم.

**۹. روایت‌های سایر نویسندگان درباره**

**اربعین را خوانده‌اید؟ کدام‌شان**

**بیشتر به دل‌تان نشست است؟**



## پیاده‌روی اربعین

### یک رسانه است

### که پیام عاشورا

### را به جهان

### می‌رساند و چه

### چیزی مهم‌تر از

### قرار گرفتن در

### مدار راویان این

### حادثه؟

